

تحلیل و گاهنگاری پیشنهادی شهر اشکانی «شهر تپه» چاپشلو در شهرستان درگز، شمال شرق ایران

حسن نامی*

دانشجوی دکترای باستان‌شناسی، دانشگاه تهران، عضو هیأت علمی گروه باستان‌شناسی دانشگاه نیشابور

hasan_nami20@yahoo.com

بهمن فیروزمندی

دانشیار گروه باستان‌شناسی، دانشگاه تهران

محمد اسماعیل اسمعیلی جلودار

استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشگاه تهران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۰/۲۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۲/۰۷

(از ص ۱۲۳ تا ۱۴۲)

چکیده

«شهر تپه» یکی از محوطه‌های اشکانی شمال شرق ایران در شهرستان درگز است. با استناد به بررسی‌های باستان‌شناسی، این محوطه، یکی از وسیع‌ترین محوطه‌های اشکانی این حوزه‌ی جغرافیایی است؛ به‌علاوه، با استناد به کاوش‌های باستان‌شناسی، این محوطه، یکی از محوطه‌های مهم اوایل دوره‌ی اشکانیان در شمال شرقی ایران است. شباهت یافته‌های باستان‌شناسی شهر تپه با محوطه‌ی نسا، به‌همراه وسعت محوطه (حدود ۷۰ هکتار) و یافته‌های باستان‌شناسی آن، نشان می‌دهد شهر تپه از محوطه‌های مهم دوره‌ی اشکانیان در شمال شرق ایران است. به‌دلیل همین اهمیت است که بعضاً از این محوطه، به‌عنوان یکی از محوطه‌های احتمالی معرف «دارا» در اوایل دوره‌ی اشکانیان یاد می‌شود؛ لذا در پژوهش پیش‌رو تلاش می‌گردد، ضمن بررسی و ارزیابی داده‌های باستان‌شناسی شهر تپه، و جایگاه آن در تاریخ اوایل دوره‌ی اشکانی، اهمیت این محوطه در مطالعات باستان‌شناسی اشکانیان در شمال شرق ایران مورد بحث و ارزیابی قرار گیرد. به‌علاوه، تلاش شده بدین پرسش پاسخ داده شود که آیا شهر تپه می‌تواند یکی از محوطه‌های احتمالی معرف شهر دارا اشکانی باشد؟ و یا به‌عبارت کلی‌تر، آیا می‌توان این شهر مهم اوایل دوره‌ی اشکانی را در حوزه‌ی جغرافیایی سیاسی امروزی درگز جستجو نمود؟ پاسخ به موارد فوق از این منظر حائز اهمیت است که از اشکانیان در شمال شرقی ایران، اطلاعات محدود و پراکنده‌ای در دست است؛ لذا مطالعات باستان‌شناسی شهر تپه می‌تواند تا حدودی در پاسخ به پرسش‌های تاریخی و باستان‌شناسی اشکانیان در شمال شرقی ایران راهگشا باشد. رویکرد پژوهش حاضر در پاسخ به پرسش‌های فوق، داده‌های باستان‌شناسی مرتبط با اشکانیان در شهرستان درگز و محوطه‌ی شهر تپه است. به‌علاوه، در کنار داده‌های باستان‌شناسی، از متون کلاسیک در پاسخ به مکان‌یابی احتمالی شهر دارا در منطقه‌ی درگز استفاده گردیده است. براساس موارد یاد شده در بالا، شهر تپه به‌واسطه‌ی وسعت و داده‌های فرهنگی از جمله ظروف و قطعات سفالی مطالعه شده، تزیینات معماری شامل آجرهای منقوش و وجود یک منطقه‌ی صنعتی شناسایی شده در آن، احتمالاً یکی از مهم‌ترین محوطه‌های اوایل دوره‌ی اشکانی در شمال شرق ایران است.

کلیدواژگان: باستان‌شناسی، اشکانی، درگز، چاپشلو، دارا، شهر تپه.

مقدمه

بدون تردید، یکی از مهم‌ترین و در عین حال مبهم‌ترین حوزه‌های جغرافیایی تاریخ اشکانیان، شمال شرق ایران فرهنگی است که امروزه با اندکی تسامح، می‌توان آن را «خراسان بزرگ» نام نهاد. با نگاهی به تاریخ سیاسی اوایل دوره‌ی اشکانی، نقش این حوزه‌ی جغرافیایی در شکل‌گیری و رشد و نمو حکومت اشکانی به‌خوبی قابل فهم است؛ به‌نحوی که با اطمینان می‌توان خراسان بزرگ را بستر بخش عمده‌ای از رویدادهای اوایل حکومت اشکانیان قلمداد نمود. تا پیش از گسترش تدریجی قلمرو این حکومت در زمان مهرداد اول، با احتیاط می‌توان حکومت اشکانی را حکومتی محلی در حوزه‌ی جغرافیایی شمال شرق ایران فرهنگی در دو ایالت پارتوا و هیرکانیا محسوب نمود. این حوزه‌ی جغرافیایی به‌عنوان زادگاه اشکانیان، بالقوه می‌توانسته و احتمالاً می‌بایست در رویدادهای سیاسی بعد از مهرداد اول تا زوال این امپراتوری به‌دست اردشیر بابکان نیز نقشی مهم و حیاتی در تاریخ این حکومت بازی کند.

یکی از مناطق شمال شرق ایران که هم‌زمان با دوره‌ی اشکانی از مناطق مهم خراسان رضوی، در مجاورت کشور ترکمنستان واقع شده است. هم‌جوار این منطقه با ترکمنستان و نسا به‌عنوان یکی از اولین مناطق گسترش و نفوذ اشکانیان، تلویحاً نشان دهنده‌ی اهمیت این منطقه در تاریخ اشکانیان، خصوصاً در اولین دهه‌های شکل‌گیری و گسترش این حکومت است. در بررسی باستان‌شناسی صورت‌گرفته در شهرستان درگز در مجموع ۸۵ محوطه از دوره‌ی اشکانی شناسایی گردید (نامی، ۱۳۹۵). از میان محوطه‌های اشکانی شهرستان درگز، «شهرتپه» با حدود ۷۰ هکتار وسعت، وسیع‌ترین محوطه‌ی اشکانی این حوزه‌ی جغرافیایی است. بررسی سطحی محوطه و داده‌های باستان‌شناسی یافت شده از دو فصل کاوش باستان‌شناسی، در کنار وسعت شهرتپه، نشان‌دهنده‌ی اهمیت این محوطه در تاریخ اشکانیان است. موقعیت جغرافیایی شهرتپه در کنار شباهت داده‌های باستان‌شناسی این محوطه با نسا، خود بخش دیگری از اهمیت شهرتپه در تاریخ اشکانیان است. به‌واسطه‌ی همین اهمیت است که بعضاً از شهرتپه به‌عنوان یکی از محوطه‌های احتمالی معرف «دارا» در تاریخ اشکانیان یاد می‌شود؛ لذا بررسی باستان‌شناسی این محوطه و ارزیابی اهمیت شهرتپه در اوایل تاریخ اشکانیان، می‌تواند در پاسخ به برخی ابهامات باستان‌شناسی اشکانیان در شمال شرق ایران فرهنگی روشن‌گر باشد. در واقع شناخت جایگاه و اهمیت این محوطه با توجه به داده‌های باستان‌شناختی به‌دست آمده از بررسی و کاوش باستان‌شناختی در آن، و قراردادن آن به‌عنوان یکی از مکان‌های احتمالی شهر دارا(ی) اشکانی در جغرافیای سیاسی امروزی شهرستان درگز، مهم‌ترین اهداف تحقیق پیش‌رو را دربر خواهد گرفت. پژوهش حاضر از این منظر حائز اهمیت است که به‌دلیل کمبود اطلاعات باستان‌شناسی در شمال شرقی ایران، مطالعات باستان‌شناسی شهرتپه چابشلو می‌تواند به‌عنوان افقی نو در مطالعات باستان‌شناسی اشکانیان در این منطقه به‌کار آید. در این راستا، از مهم‌ترین پرسش‌های باستان‌شناسی محوطه که در پژوهش پیش‌رو بدان پرداخته می‌شود، می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد. شهرتپه از منظر گاهنگاری، در کدام بخش از تاریخ اشکانیان واقع گردیده است؟ این محوطه در مطالعات باستان‌شناسی شمال شرق ایران چه جایگاه و اهمیتی را داراست؟ به‌علاوه، آیا شهرتپه می‌تواند یکی از محوطه‌های احتمالی معرف شهر دارا(ی) اشکانی باشد؟ در راستای پرسش‌های فوق، با استناد به داده‌های باستان‌شناسی و مجاورت این محوطه با نسا، شهرتپه را می‌توان یکی از شهرهای مهم اوایل تاریخ دوره‌ی اشکانی

مفروض داشت؛ اگر چنین باشد، با توجه به کمبود اطلاعات باستان‌شناسی از نحوه‌ی گسترش اشکانیان در حوزه‌ی جغرافیایی ایران و با عنایت به وسعت محوطه و داده‌های باستان‌شناسی محوطه، می‌توان از شهرتپه به‌عنوان یکی از شهرهای مهم اشکانیان در اوایل این سلسله نام برد. نهایت، این که به‌رغم عدم قطعیت در کیفیت و کمیت رابطه‌ی شهرتپه با دارا، می‌توان از شهرتپه در کنار دیگر محوطه‌های اشکانی، به‌عنوان یکی از محوطه‌های احتمالی معرف شهر دارا در دوره‌ی اشکانی یاد کرد. رویکرد پژوهش حاضر در پاسخ به پرسش‌های فوق، داده‌های باستان‌شناسی یافت شده از بررسی‌ها و کاوش‌های باستان‌شناسی در شهرستان درگز و محوطه‌ی شهرتپه است. در پژوهش پیش‌رو، در کنار داده‌های باستان‌شناسی، از متون کلاسیک نیز در پاسخ به مکان‌یابی احتمالی شهر دارا در شهرستان درگز استفاده گردیده است.

پیشینه‌ی مطالعات باستان‌شناسی منطقه‌ی درگز

مطالعات باستان‌شناسی در شهرستان درگز، هنوز مراحل ابتدایی خود را سپری می‌کند. به‌نظر می‌رسد کاپیتان ناپیر ایتالیایی، اولین جهانگردی است که در قرن نوزدهم م. از درگز بازدید کرده و توصیفات جغرافیایی راجع به منطقه‌ی درگز ارائه کرده است. وی در مقاله‌ای که در ژورنال *انجمن جغرافیایی سلطنتی لندن* انتشار داده است، نقشه‌هایی از خراسان بزرگ ارائه کرده که می‌توان موقعیت جغرافیایی درگز در آن را به‌خوبی مشاهده و مشخص نمود (Napier & kazi, 1876: 62-63). سر هنری راولینسون نیز در فصل دهم کتاب خود تحت‌عنوان *راه‌ها به مرو*، به موقعیت جغرافیایی، ویژگی‌های جغرافیایی و اهمیت ژئواستراتژیک این ناحیه اشاره کرده است (Rawlinson, 1879: 113-149). تحقیقات هنری فرانکفورت را می‌تواند اولین مطالعه‌ی باستان‌شناسی منطقه‌ی درگز تلقی نمود. نام‌برده در سال ۱۹۲۴ م. از درگز بازدید کرده است. مطالعات وی در مورد درگز در کتاب *کنکاشی بر اولین گونه‌های سفالی خاور نزدیک*، انتشار یافته است (Frankfort, 1927: 84-83).

دیگر مطالعات باستان‌شناسی درگز به سال ۱۳۴۵ ه.ش. و بررسی عزت‌الله نگهبان در این منطقه بازمی‌گردد. گزارش این بررسی تحت‌عنوان «بررسی شمال شرق» به‌قلم یحیی کوثری و علی‌اکبر سرفراز در آرشیو مرکز اسناد سازمان میراث‌فرهنگی موجود است (کوثری و سرفراز، ۱۳۴۵). خلاصه‌ای از این بررسی و گزارش، به‌قلم رجبعلی لباف‌خانیکی در مقاله‌ای تحت‌عنوان «سه‌م دکنتر نگهبان در باستان‌شناسی خراسان» در یادنامه‌ی *به‌یاد نگهبان* در شماره‌ی ۴۵ مجله *باستان‌شناسی و تاریخ* به‌سال ۱۳۸۷ ه.ق. چاپ گردیده است (لباف‌خانیکی، ۱۳۸۷: ۱۰۳-۹۹). بازدید و بررسی فیلیپ کوهل و دنیس هیسکل از درگز در شهریور و آبان ۱۳۵۷ ه.ش. صورت‌گرفته است. نام‌بردگان در این مدت از درگز بازدید و گزارش کوتاهی از این بررسی را در شماره‌ی ۱۸ مجله *ایران* در سال ۱۹۸۰ م. چاپ نمودند (Kohl & Heskell, 1980: 160-172).

مطالعات باستان‌شناسی شهرستان درگز با کاوش‌های مهدی رهبر در بندیان، وارد فاز جدیدی گردید. در نتیجه‌ی دو فصل کاوش‌های باستان‌شناسی نام‌برده در بندیان، بقایای یک دستگرد دوره‌ی ساسانی، احتمالاً هم‌زمان با حکمرانی بهرام پنجم ساسانی کشف و شناسایی گردید (Rahbar, 1998: 213-250; Rahbar, 2004: 7-30; Rahbar, 2008: 15-40). شهرستان درگز در سال ۱۳۷۵ ه.ش. توسط محمود بختیاری‌شهری، کارشناس سازمان میراث‌فرهنگی خراسان رضوی، مورد بررسی باستان‌شناسی قرار گرفت. نام‌برده در گزارش منتشر نشده‌ی خود تحت‌عنوان «بررسی

و شناسایی آثار باستانی شهرستان درگز»، برخی از محوطه‌های باستانی این شهرستان را توصیف و برای نخستین بار معرفی نمود (بختیاری شهری، ۱۳۷۵). عمران گاراژیان، یک سال بعد در سال ۱۳۷۶ برخی از محوطه‌های این منطقه را مجدداً مورد بررسی قرار داد که اطلاعات این بررسی و بخشی از بررسی بختیاری، در قالب پایان‌نامه‌ی نام‌برده تحت‌عنوان «بررسی باستان‌شناختی محوطه‌های پیش‌ازتاریخی حاشیه‌ی رودخانه‌ی درونگر واقع در شمال شرق استان خراسان» ارائه گردید (گاراژیان، ۱۳۷۷). داده‌های پیش‌ازتاریخی به‌دست آمده از بررسی‌های پیش‌تر انجام گرفته در منطقه‌ی درگز، بخش اصلی پایان‌نامه‌ی کارشناسی‌ارشد سعید باقی‌زاده در دانشگاه آزاد تهران مرکز تحت‌عنوان «بررسی و مطالعه‌ی الگوهای پراکنش پیش‌ازتاریخ دشت درگز از دوران نوسنگی تا پایان عصر آهن IV» گردید (باقی‌زاده، ۱۳۹۱؛ یوسفی‌زُشک و باقی‌زاده، ۱۳۹۱: ۲۴-۷).

محوطه‌ی محوری این تحقیق، شهرتپه نیز خود بخش دیگری از مطالعات باستان‌شناسی شهرستان درگز است. علی حسن‌آبادی، کارشناس سازمان میراث‌فرهنگی استان خراسان رضوی، در سال ۱۳۸۸ اقدام به تعیین عرصه و پیشنهاد حریم محوطه نمود. نگارنده نیز در تابستان ۱۳۹۵ در راستای تکمیل مطالعات فصل پیش، اقدام به بازنگری تعیین عرصه و حریم پیشنهادی آن نمود. در نتیجه‌ی دو فصل کاوش باستان‌شناسی در این محوطه، بقایای آثاری از دوره‌ی اشکانی در این محوطه کشف گردید (نامی، ۱۳۹۵).

رویکرد تحقیق

در پژوهش حاضر، تلاش گردیده است تا با استفاده از داده‌های باستان‌شناسی محوطه‌ی شهرتپه، اهمیت این محوطه در مطالعات باستان‌شناسی دوره‌ی اشکانی در شمال شرقی ایران تبیین و ارزیابی گردد؛ لذا مبنای پژوهش حاضر، بررسی سیستماتیک محوطه، به‌همراه داده‌های باستان‌شناسی یافت شده از دو فصل گمانه‌زنی در محوطه‌ی شهرتپه است. با توجه به تمرکز پژوهش حاضر بر روی دوره‌ی اشکانی، همجواری درگز و شهرتپه با ترکمنستان و نسا، بخشی مهم و لاینفک در مطالعات باستان‌شناسی این محوطه محسوب می‌گردد. رویکرد پژوهش حاضر، استفاده از داده‌های باستان‌شناسی محوطه‌ی شهرتپه و قرار دادن آن در بافت محیطی محوطه است تا براساس آن بتوان به‌نحو شایسته‌ای اهمیت شهرتپه در تاریخ اشکانیان در این حوزه‌ی جغرافیایی تبیین و ارزیابی گردد. به‌علاوه، در راستای پاسخ به این پرسش مهم تاریخی دوره‌ی اشکانی که آیا



تصویر ۱. موقعیت محوطه شهرتپه نسبت به چپشلو (Google Earth).



▲ تصویر ۲. الف (بالا): محوطه‌ی شهر تپه، دید از جنوب غرب، فلش سیاه رنگ بخشی از حصار جنوبی می باشد و فلش زرد رنگ بخشی از خندق است.
ب (پایین): محوطه‌ی شهر تپه دید از جنوب شرق، فلش سیاه تپه‌ی بزرگ مرکزی یا ارگ محوطه و فلش زرد بخشی از حصار جنوبی محوطه به همراه (احتمالاً) دروازه‌ی ورودی است.



▲ تصویر ۳. بخشی از حصار غربی محوطه‌ی یافت شده از دومین فصل گمانه‌زنی محوطه‌ی شهر تپه (نامی، ۱۳۹۵).

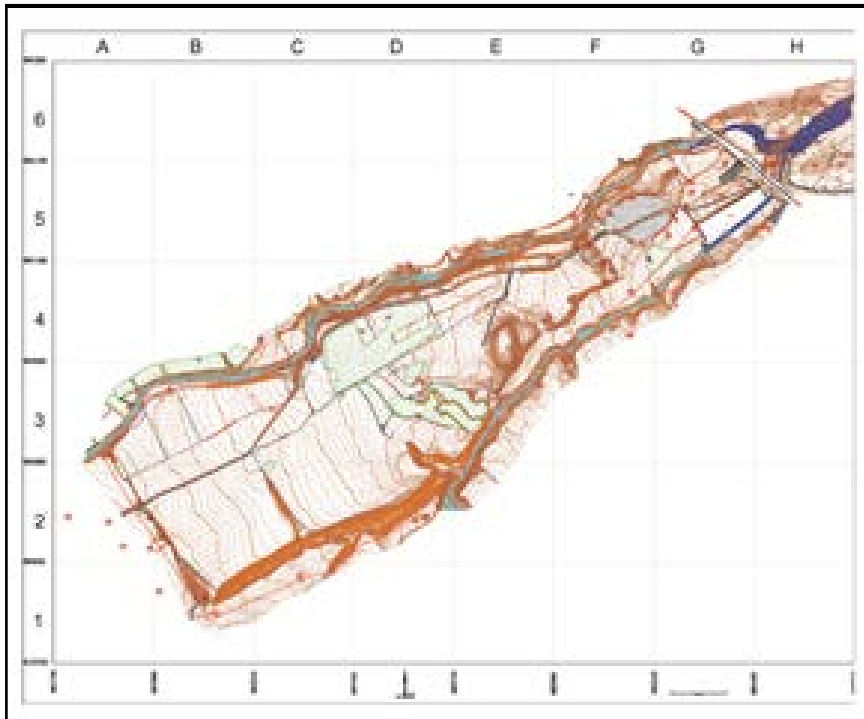
شهر اشکانی دارا را می‌توان در حوالی درگز جستجو نمود؟- تلاش گردیده است کیفیت و قابلیت شهرستان درگز و محوطه‌ی شهر تپه برای این انتساب احتمالی مورد بحث و ارزیابی قرار گیرد. مبنای پژوهش حاضر در راستای پاسخ به پرسش اخیر، داده‌های باستان‌شناسی دوره‌ی اشکانی در منطقه‌ی درگز به همراه آراء مورخین کلاسیک راجع به آن است.

بررسی باستان‌شناسی محوطه‌ی شهر تپه

شهر تپه، یکی از مهم‌ترین محوطه‌های اشکانی شهرستان درگز است که در شمال غربی شهر چابشلو واقع شده است (تصویر ۱). این محوطه به شکل طولی، در یک دشت نسبتاً هموار قرار گرفته و از شرق به غرب بر عرض آن افزوده می‌شود. محوطه در جهت شرقی-غربی بین ۱۱۶۹ تا ۱۲۱۹ متر طول و در جهت شمالی-جنوبی بین ۱۹۷ تا ۴۷۵ متر عرض دارد. کل مساحت محوطه را پشته‌های طولی منظمی دربر گرفته که نشانگر وجود یک حصار دفاعی در پیرامون محوطه است. این حصار در سمت شمال و جنوب، تقریباً سالم‌تر و دست‌نخورده‌تر باقی مانده است؛ سمت شرق و غرب حصار، به واسطه‌ی فعالیت‌های کشاورزی و دخل و تصرف‌های معاصر، به شدت تخریب گردیده است. برای ساخت حصار از خشت استفاده شده است؛ خشت‌های استفاده شده در ساخت حصار دارای ابعاد: $۴۰ \times ۴۰ \times ۱۰$ ، $۴۰ \times ۴۰ \times ۱۲$ ، $۴۰ \times ۴۰ \times ۱۳$ و $۴۰ \times ۴۰ \times ۱۴$ سانتی‌متر هستند. در بخش جنوبی محوطه بقایای بیرون آمدگی‌هایی برج‌مانند در حصار محوطه دیده می‌شود. به دلیل تخریب و فرسایش این بخش از محوطه، نمی‌توان با اطمینان راجع به این ساختارها اظهار نظر نمود. در داخل حصار محوطه، در حداقل حصار جنوبی و مرکز محوطه، بقایای یک تپه دیده می‌شود. بر اساس بقایای به جای مانده، تپه مذکور ۴۰ متر طول، ۲۳ متر عرض و ۶،۴۵ متر ارتفاع دارد. امروزه، تقریباً تمامی فضاهای درون محوطه مورد استفاده‌ی کشاورزی واقع می‌شود (تصاویر ۲ و ۳) در نتیجه، اگر آثار مربوط به محوطه به صورت برجستگی‌هایی شبیه تپه‌ی مرکزی پیش‌گفته نیز وجود داشته، در اثر فعالیت‌های کشاورزی تسطیح شده‌اند. در نیمه‌ی شرقی محوطه، در جایی که راه خاکی جدید از شهر چابشلو به سمت محوطه می‌گذرد، در مجاور گورستان معاصر، بقایای احتمالی یک دروازه‌ی ورودی دیده می‌شود (تصویر ۲) در حاشیه‌ی شمالی و جنوبی محوطه، دو آبراهه یا مسیل فصلی عریض و نسبتاً عمیق قرار گرفته است که در طول شمالی و جنوبی محوطه امتداد دارند. این آبراهه‌ها از کوه‌های الله‌اکبر در فاصله‌ی ۱۰ کیلومتری غرب محوطه شروع می‌شوند و با نزدیک شدن به محوطه، به دو شاخه‌ی شمالی و جنوبی تقسیم شده که یک شاخه از حاشیه‌ی شمالی و شاخه دیگر از حاشیه‌ی جنوبی محوطه‌ی شهر تپه می‌گذرد و پس از عبور از محدوده‌ی محوطه، هر دو شاخه در شرق محوطه به هم می‌پیوندند و در غالب یک شاخه، مسیر خود را به سمت شرق دشت ادامه می‌دهد. احتمالاً سازندگان شهر تپه از این آبراهه‌ها برای پُر کردن خندق‌های پیرامون حصار استفاده می‌کرده‌اند. در تأیید این مورد، دو آبراهه شمالی و جنوبی، پس از پوشش کل حصار شمالی و جنوبی محوطه، در شرق محوطه دوباره به یکدیگر می‌پیوندند (نقشه ۱). در نتیجه، ساکنین این محوطه با استفاده از این موقعیت طبیعی، بهترین مکان ممکن را برای سکونت در نظر گرفته‌اند و با افزودن استحکامات دفاعی، نظیر حصار و خندق، تمامی بخش‌های محوطه را مستحکم نموده‌اند (تصویر ۲ بخش الف).

بررسی سیستماتیک شهرتپه

به منظور شناخت بهتر وضعیت باستان‌شناسی شهرتپه، سطح محوطه مورد بررسی سیستماتیک قرار گرفت. در این راستا، ابتدا تمامی فضای سطح محوطه به ۱۶ مربع ۵۰×۵۰ متر تقسیم گردید. در ادامه، ۱۶ شبکه‌ی بررسی سیستماتیک به روش پیمایشی فشرده بررسی گردید و از هر شبکه، به صورت تصادفی نمونه‌برداری شد (نقشه ۱ و



نقشه ۱. پلان شهرتپه و موقعیت مربع‌های بررسی سیستماتیک نسبت به آن (نامی، ۱۳۹۵). ◀

جدول ۱. جدول شبکه‌های بررسی سیستماتیک، مواد فرهنگی شبکه‌ها و آسیب‌شناسی (نامی، ۱۳۹۵). ▼

ردیف	نام شبکه	مواد فرهنگی	تراکم مواد فرهنگی	مکان کشف مواد فرهنگی نسبت به شبکه	آسیب شناسی
۱	F 5	-	-	-	کشاورزی
۲	F 4	قطعات سفال	یک قطعه در هر ۲۵۰ متر مربع	به صورت یکنواخت در تمامی سطح مربع	کشاورزی
۳	E 4	قطعات سفال	یک قطعه در هر ۱۰ متر مربع	به صورت یکنواخت در تمامی سطح مربع	کشاورزی
۴	E 3	قطعات سفال	یک قطعه در هر ۱۵ متر مربع	به صورت یکنواخت در تمامی سطح مربع	کشاورزی
۵	D 4	-	-	-	کشاورزی
۶	D 3	قطعات سفال، سه قطعه آجر منقوش، یک قطعه گجبری، بقایای یک پایه ستون سنگی، یک عدد سنگ ساب	یک قطعه در هر ۸۰ متر مربع	اغلب در نیمه‌ی شرقی مربع	کشاورزی
۷	D2	قطعات سفال	یک قطعه در هر ۲۰۰ متر مربع	به صورت یکنواخت در تمامی سطح مربع	کشاورزی
۸	C4	-	-	-	کشاورزی
۹	C 3	قطعات سفال	یک قطعه در هر ۲۵۰ متر مربع	اغلب در نیمه‌ی شمالی مربع	کشاورزی
۱۰	C 2	قطعات سفال	یک قطعه در هر ۳۵۰ متر مربع	اغلب در نیمه‌ی شمالی مربع	کشاورزی
۱۱	B 3	-	-	-	کشاورزی
۱۲	B 2	-	-	-	کشاورزی
۱۳	B 1	-	-	-	کشاورزی
۱۴	A 3	-	-	-	کشاورزی
۱۵	A 2	-	-	-	کشاورزی
۱۶	G 5	جوش کوره، قطعات سفال	یک قطعه در هر ۶۰ متر مربع	به صورت یکنواخت در تمامی سطح مربع	کشاورزی و ساخت و سازهای معاصر

جدول ۱). از بررسی سیستماتیک محوطه‌ی شهر تپه، مواد فرهنگی مشتمل بر ۲۳۸ قطعه سفال، سه قطعه آجر منقوش (تصویر ۵)، یک قطعه گچبری، بقایای یک پایه‌ستون سنگی، یک عدد سنگ‌ساب و جوش کوره یافت شد (تصاویر ۶ و ۷). بیشترین مواد فرهنگی به‌دست آمده از سطح محوطه را قطعات سفال تشکیل می‌دهد. لازم به ذکر است، پراکندگی سفال بر سطح محوطه به‌شکل یک‌دست و منظم نبوده و در بخش‌های مختلف محوطه، فراوانی قطعات سفال متغیر بوده است. به‌نحوی که حتی در برخی از شبکه‌های بررسی شده، هیچ‌گونه مواد فرهنگی یافت نگردید؛ به‌علاوه،

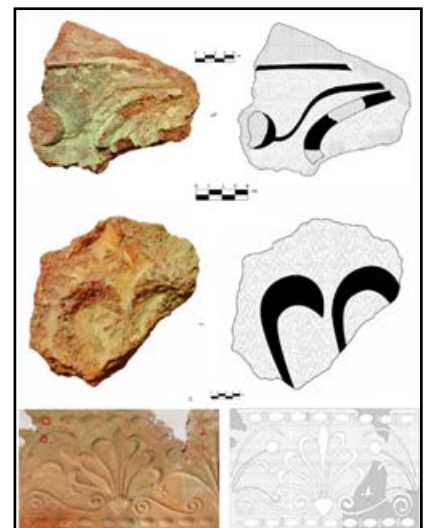


► تصویر ۴. (الف بالا): تنبوشه‌ی سفالی قرار گرفته در زیرجاده‌ی آسفالت ورودی به چایشلو.
 ب (پایین): موقعیت بخش صنعتی محوطه و جوش کوره، سرباره، هاون، دست‌آس و جوش شیشه‌ی به‌دست آمده از گمانه‌های این بخش که نشان از فعالیت صنعتی و کارگاهی در این بخش است (نامی، ۱۳۹۵).

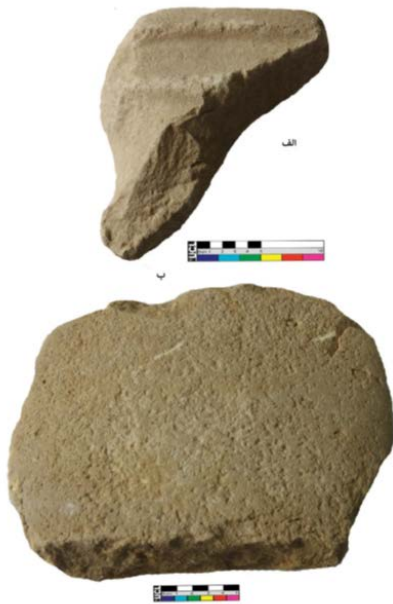
براساس بررسی سیستماتیک سطح محوطه، فراوانی مواد فرهنگی در نیمه‌ی شرقی محوطه، بیشتر از نیمه‌ی غربی است. براساس مطالعات اولیه، شواهدی از توالی لایه‌ی استقرار در محوطه دیده نمی‌شود و تمامی سفال‌ها مربوط به دوره‌ی اشکانی هستند. همان‌گونه که اشاره گردید، در بررسی سیستماتیک محوطه، سه قطعه آجر منقوش و یک قطعه گچبری به‌دست آمده است. این آثار که از مربع D 3 بررسی سیستماتیک یافت شده بودند، احتمالاً نشان‌دهنده‌ی وجود سازه‌ای مهم از دوره‌ی اشکانی در محوطه‌ی شهرتپه است. متأسفانه نقش روی هیچ‌یک از آجرهای یافت شده از بررسی سیستماتیک محوطه، به‌وضوح قابل مشاهده نیست؛ با این حال، نمونه‌ی چنین آجرهای منقوشی از کاوش‌های باستان‌شناسی محوطه‌ی نسا (Turco et al., 2015: 375-280) و اولین فصل گمانه‌زنی محوطه‌ی شهرتپه (تصویر ۵) یافت شده است. به‌علاوه، در شبکه‌ی G 5 بررسی سیستماتیک شهرتپه، چهار عدد جوش کوره به‌دست آمد. این آثار، بالقوه می‌توانست نشان‌دهنده‌ی مکان تقریبی منطقه‌ی صنعتی شهرتپه بوده باشد. با این فرضیه، سه گمانه‌ی آزمایشی در این شبکه حفر گردید. در نتیجه، با کشف مقادیر فراوان جوش کوره، به‌همراه تعدادی سرباره و شیشه‌ی تغییر شکل یافته مشخص گردید که این بخش، جزوی از منطقه‌ی صنعتی محوطه‌ی شهرتپه بوده است (تصاویر ۴ و ۷). بررسی و ارزیابی داده‌های باستان‌شناسی یافت شده از کاوش‌های باستان‌شناسی شهرتپه، بخش دیگری از اهمیت شهرتپه در باستان‌شناسی شمال شرقی ایران در دوره‌ی اشکانی است. از دو فصل کاوش باستان‌شناسی در محوطه‌ی شهرتپه تنوعی از مواد فرهنگی از جمله بقایای معماری، ظروف سفالی (تصویر ۸، جدول ۲)، قطعات سفال (تصویر ۱۰، جدول ۳)، اشیاء فلزی، جوش کوره، سرباره، شیشه‌ی تغییر شکل یافته شده و سنگ‌ساب یافت گردید (تصویر ۴، بخش ب: ۷ و ۹). شرح مفصل داده‌های باستان‌شناسی این محوطه از حوصله‌ی بحث خارج است؛ با این حال، اشاره‌ی مجمل به داده‌های باستان‌شناسی شهرتپه تاحدی می‌تواند در روشن نمودن اهمیت این محوطه در تاریخ اشکانیان مؤثر واقع شود.

یکی از داده‌های یافت شده از کاوش‌های شهرتپه، بقایای آثار معماری است. این آثار به دو دسته‌ی بقایای خشتی حصار و قطعات آجر تقسیم می‌شوند. بقایای دیوار خشتی یافت شده از دومین فصل کاوش باستان‌شناسی شهرتپه، بخشی از بقایای حصار محوطه بوده است که در شمال غربی و غرب محوطه یافت گردید. ابعاد خشت‌های حصار در بخش‌های کاوش شده $۴۰ \times ۴۰ \times ۱۰$ ، $۴۰ \times ۴۰ \times ۱۲$ ، $۴۰ \times ۴۰ \times ۱۳$ و $۴۰ \times ۴۰ \times ۱۴$ سانتی‌متر است (تصاویر ۲، ۳ و ۹)؛ علاوه‌بر حصار خشتی، بقایای یک قطعه آجر منقوش با نقش گل‌تزیینی از اولین فصل کاوش باستان‌شناسی محوطه نیز گزارش شده است. نمونه‌ی چنین آجرهایی در کاوش‌های باستان‌شناسی محوطه‌ی نسا نیز یافت شده است (تصاویر ۵ و ۹)، (Turco et al., 2015: 375-280).

ظروف سفالی (تصویر ۸، جدول ۲) و قطعات سفال (تصویر ۱۰، جدول ۳)، بخش دیگری از یافته‌های باستان‌شناسی محوطه‌ی شهرتپه چابشلو است. تمامی ظروف سفالی به‌دست آمده از محوطه‌ی شهرتپه، از اولین فصل کاوش باستان‌شناسی این محوطه یافت گردیده است. به‌دلیل عدم انتشار گزارش اولین فصل کاوش باستان‌شناسی محوطه، توصیف مستقلی از این ظروف در دست نیست؛ با این حال ارائه‌ی تصاویر این ظروف، بخشی از اهمیت شهرتپه در باستان‌شناسی دوره‌ی اشکانی در شمال شرق ایران است. در کنار ظروف سفالی، قطعات سفال، بخش دیگری از یافته‌های باستان‌شناسی محوطه‌ی شهرتپه است. این قطعات سفال از دومین فصل کاوش باستان‌شناسی



▲ تصویر ۵. (الف و ب): آجرهای منقوش یافت شده از بررسی سیستماتیک شهرتپه و (ج) اولین فصل گمانه‌زنی محوطه‌ی شهرتپه چابشلو (نامی، ۱۳۹۵).

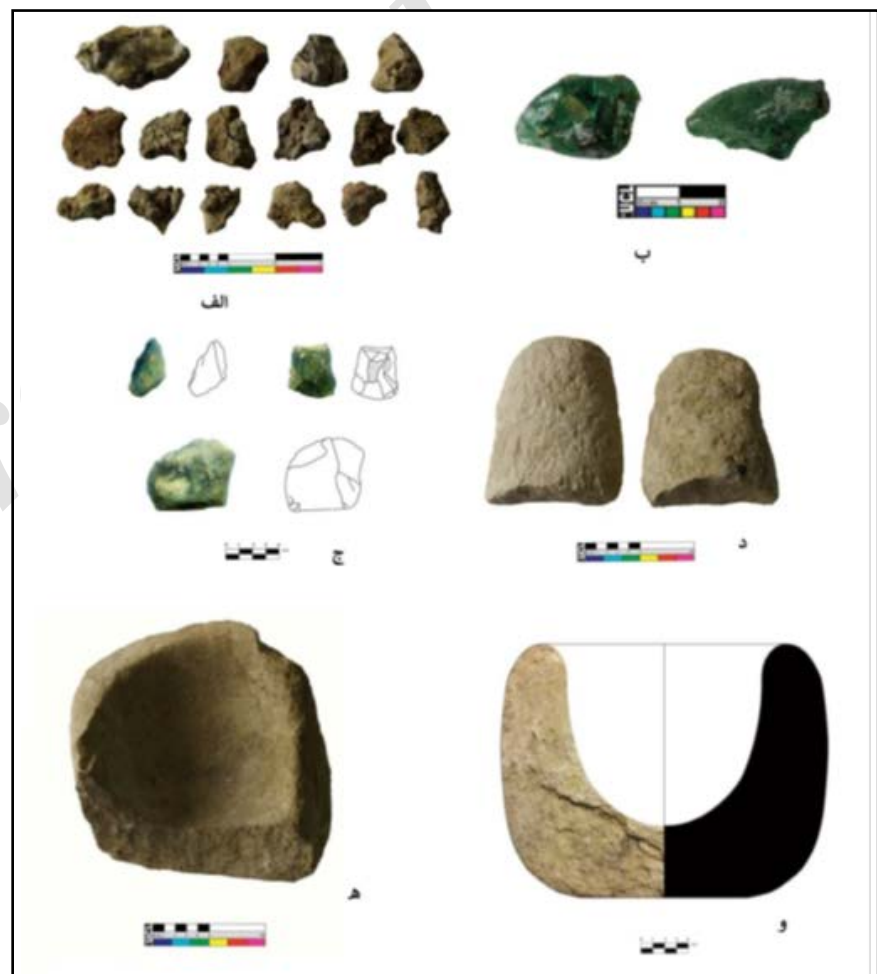


▲ تصویر ۶. الف: بخشی از یک شیء سنگی، احتمالاً بخشی از یک پایه‌ستون به‌کار رفته در بافت معماری، یافت شده از بررسی سیستماتیک، مربع D3. ب) سنگ‌ساب یافت‌شده از بررسی سیستماتیک مربع D3 (نامی، ۱۳۹۵).

محوطه‌ی شهر تپه یافت شده است. از ۳۸ گمانه‌ی آزمایشی حفر شده در دومین فصل کاوش باستان‌شناسی محوطه، در مجموع ۵۵۶ قطعه سفال کشف گردید. این قطعات سفال از نظر جنس، شکل و فرم، همگی در یک طیف بوده و مربوط به یک دوره‌ی زمانی (اشکانی) هستند. قطعات سفال یافت شده از شهر تپه از نقطه‌نظر مقایسه‌ی نسبی، قابل مقایسه با سفال‌های اشکانی یافت شده از نسا، مرو، چارسده، شمشیرغار، آی‌خانم، بیستون، خورده، تل اسپید، تپه یحیی، گوری کهنه، پاسارگاد، قومس، قلعه یزدگرد و... هستند (تصاویر ۸ و ۱۰).

یکی از نتایج مهم دومین فصل گمانه‌زنی محوطه‌ی شهر تپه، کشف منطقه‌ی صنعتی محوطه‌ی شهر تپه است. جوش کوره، سرباره و شیشه‌ی تغییر شکل یافته از جمله مواد فرهنگی مرتبط با منطقه‌ی صنعتی در محوطه‌ی شهر تپه است. این بخش در شمال محوطه و بیرون از حصار این بخش، در حدفاصل حصار شمالی و محل الحاق دو رودخانه در شمال محوطه واقع شده است. در کنار این آثار، قطعه سفال‌هایی از دوره‌ی اشکانی نیز یافت گردید. بر این اساس، می‌توان با اطمینان این بخش از محوطه را بخش صنعتی شهر تپه تلقی نمود.

به‌علاوه، یک تنبوشه‌ی انتقال آب، یک هاون سنگی، یک سنگ‌ساب و چند ابزار سنگی نیز از دومین فصل کاوش باستان‌شناسی شهر تپه مشاهده گردید (تصاویر ۴، ۷ و ۹).



▲ تصویر ۷. الف: قطعات جوش کوره یافت شده از دومین فصل کاوش باستان‌شناسی محوطه‌ی شهر تپه؛ ب: دو عدد شیشه تغییر شکل یافته به‌دست آمده از دومین فصل کاوش باستان‌شناسی محوطه‌ی شهر تپه؛ ج: چند عدد ابزار سنگی یافت شده از دومین فصل کاوش باستان‌شناسی محوطه‌ی شهر تپه؛ د: یک عدد سنگ‌ساب یافت شده از دومین فصل کاوش باستان‌شناسی محوطه‌ی شهر تپه (نامی، ۱۳۹۵).

شهرتیه، دارا(ی) باستان؟

شهرتیه با هفتاد هکتار وسعت یکی از وسیع‌ترین محوطه‌های اشکانی شمال شرق ایران است. به‌علاوه، غنای آثار فرهنگی یافت شده از بررسی سیستماتیک محوطه و کاوش‌های باستان‌شناسی، همواره شهرتیه را به یکی از مراکز مهم دوره‌ی اشکانی در شمال شرق ایران تبدیل کرده است. مقایسه‌ی داده‌های باستان‌شناسی این محوطه با نسا، به‌عنوان اولین تختگاه اشکانیان، مؤید این مورد است.

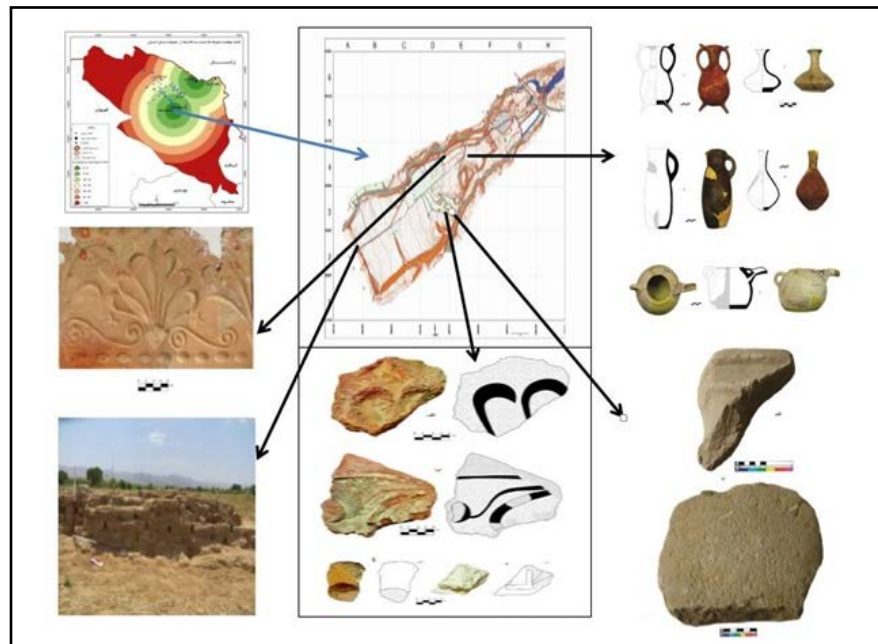
همان‌طوری که در ادامه اشاره می‌شود، محققان غربی در انطباق شهر دارا، به‌عنوان یکی از اولین خاستگاه‌های اشکانیان، از درگزر به‌عنوان یکی مراکز احتمالی این شهر نام می‌برند. مبنای این مدعا متون تاریخی پیش از اسلام است که مدعی وجود این شهر در منطقه‌ی بزرگ‌تر «اپاورتکین» (ایبورد دوره‌ی اسلامی) است (ایزیدور خاراکسی، ۱۳۹۲: ۱۱۴)؛ با این حال برخی محققان دیگر، با استناد به همین متون، مدعی وجود این شهر در مناطق دورتر دامغان و گرگان هستند. در ادامه ضمن اشاره به متون تاریخی پیش از اسلام، آراء محققان معاصر در این باره ارزیابی می‌گردد تا با شناخت بهتری بتوان درباره‌ی نحوه‌ی این انتساب اظهار نظر نمود.



تصویر ۸. ظروف سفالی یافت شده از اولین فصل گمانه‌زنی محوطه‌ی شهرتیه (حسن‌آبادی، ۱۳۸۸). ◀

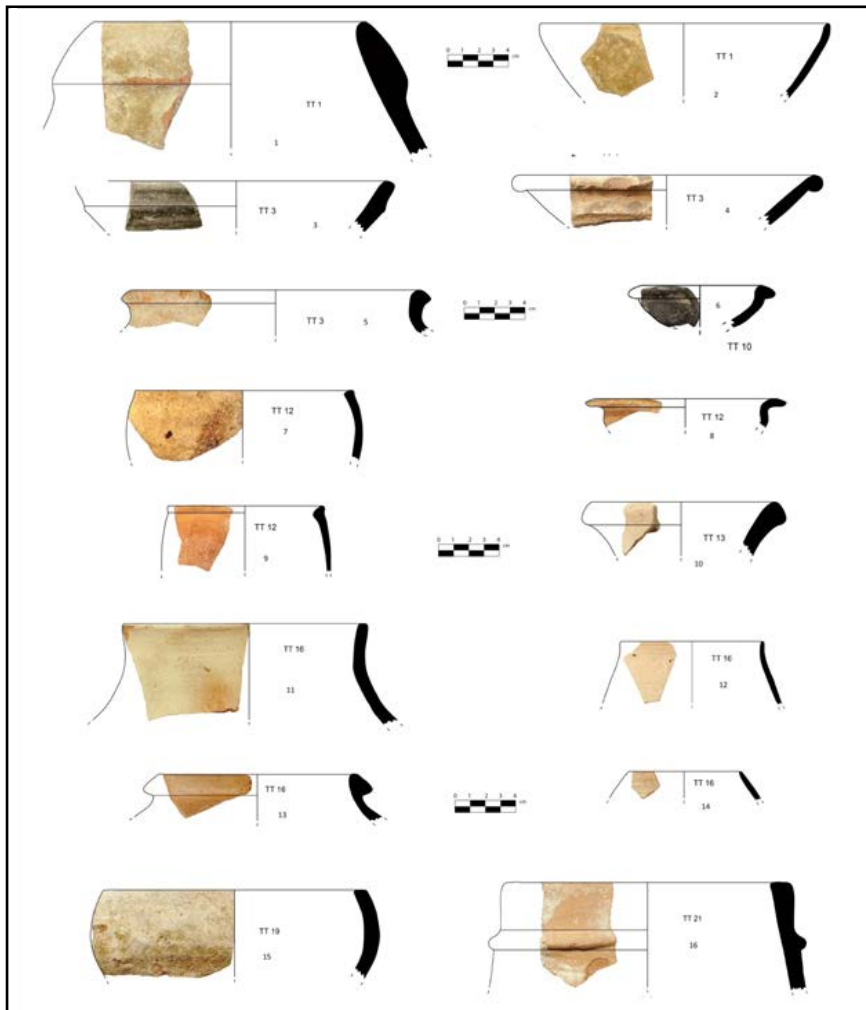
جدول ۲. جدول مشخصات ظروف سفالی یافت شده از اولین فصل گمانه‌زنی محوطه‌ی شهرتیه (نامی، ۱۳۹۵). ▼

شماره	نوع	ارتفاع	عرض	ضخامت	سایر		
					پایه	قطر دهانه	دسته
۱	سفال قرمز با سرخیوان در بخش فوقانی دسته‌ها	۲۶ س.م	۱۰ س.م	۳ م.م	۴ س.م	۸ س.م	۷ س.م
۲	تنگ کوچک سفالی	۹ س.م	۸ س.م	۳ م.م	—	۴ س.م	۴ س.م
۳	تنگ سفالی با یک دسته	۲۸/۵ س.م	۱۱ س.م	۵ م.م	—	۱۰ س.م	۹ س.م
۴	تنگ سفالی با تزئینات داغدار در دور بدنه ظرف	۲۳ س.م	۱۵ س.م	۲ م.م	—	۵/۵ س.م	۶ س.م
۵	تنگ سفالی با آبریز	۱۳/۵ س.م	۱۷ س.م	۲ م.م	—	۵.۸ س.م	۵ س.م



► تصویر ۹. آثار به‌دست آمده از فصل اول و دوم کاوش و بررسی روشمند شهر تپه چاپشلو (نامی، ۱۳۹۵).

در زمان اشکانیان، ساتراپی هخامنشی پرثوه، به مناطق کوچک‌تری چون: پارتیه نه، استاتنه، ایه ورتنه، هیرکانیا، کومیسنه و خوارنه تقسیم گردید. به‌جز نسا و هکاتوم‌پولیس، جایگاه این مناطق و مراکز شهری آن‌ها تاکنون ناشناخته باقی مانده است. از آن جمله می‌توان به مراکز شهری آساک، دارا، تمبرکس و سیرنیکس اشاره نمود (شیپمن، ۱۳۸۴: ۱۸-۱۹). همان‌گونه که قبل‌تر اشاره گردید، برخی محققان معاصر با استناد به متون تاریخی پیش از اسلام مدعی وجود دارا، به‌عنوان یکی از مراکز شهری ناشناخته در اوایل دوره‌ی اشکانی در جنوب ترکمنستان و منطقه‌ی درگز هستند؛ لذا در ادامه، کیفیت این انتساب، براساس متون تاریخی و آراء محققان مورد نقد و ارزیابی قرار خواهد گرفت. با استناد به آراء مورخان کلاسیک و محققان معاصر، دارا یکی از شهرهای مهم اوایل دوره‌ی اشکانی در منطقه‌ی آپورتکین بوده است. این منطقه به‌همراه شهر مرکزی آن، دارا، با کیفیت متفاوت در متون تاریخی پیش از اسلام ذکر شده است (ایزیدور خاراکسی، ۱۳۹۲: ۱۱۴). همان‌گونه که در ادامه بدان اشاره می‌شود، این برداشت‌ها به‌حدی متفاوت و پراکنده بوده که نمی‌توان برای این منطقه و شهر مرکزی آن، یک حوزه‌ی جغرافیایی مشخص و قطعی قائل شد. در این راستا، وجود این منطقه و شهر مرکزی آن را می‌توان در یک حوزه‌ی جغرافیایی وسیع، از دامغان و گرگان تا جنوب ترکمنستان متغیر و نسبی تلقی نمود. از جمله متون کلاسیک که می‌توان در آن اشاراتی به منطقه‌ی آپورتکین یافت، راه‌نامه‌ی ایزیدور خاراکسی است؛ وی از این منطقه با نام «آپاوارکتیکنا» یاد کرده و آن را در حدفاصل دو منطقه‌ی نیسا و مرگیانا دانسته است (ایزیدور خاراکسی، ۱۳۹۲: ۱۱۴). کورث، پلوتارک و آریین نیز به دارا، به‌عنوان یکی از اولین تختگاه‌های اشکانیان یاد کرده‌اند. به اعتقاد آن‌ها، دارا (داریوم) در محل کشته شدن داریوش سوم هخامنشی ساخته شده است (Curtius, 1809: 147-149; Plutarch, 1919: 187; آریان، ۱۳۸۸: ۱۴۱-۱۳۹). پلینی نیز در کتاب *تاریخ طبیعی از دارا* با نام «داریوم» یاد کرده و آن را در منطقه‌ی آپورتنه در شرق دریای کاسپین می‌داند (Plyni, 1855: 321). ژوستین از دیگر مورخین است که از این شهر نام‌برده و توصیف دقیقی از محیط پیرامون آن ارائه کرده است. آن‌گونه که ژوستین اشاره می‌کند شهر دارا در



تصویر ۱۰. برخی قطعات سفال یافت‌شده از دومین فصل گمانه‌زنی محوطه‌ی شهرتپه (نامی، ۱۳۹۵). ◀

جدول ۳. جدول مشخصات سفال یافت‌شده از دومین فصل گمانه‌زنی محوطه‌ی شهرتپه (نامی، ۱۳۹۵). ▼

ردیف	توصیف	مقایسه
۱	لیه، ضخامت خشن، خمیره‌ی قرمز، پوشش نخودی، چرخ ساز، شاموت شن و ماسه.	Dupree, 1958, Fig 38:k; Kleiss, 1987, Fig:Abb.26, no: 26.
۲	لیه، ضخامت متوسط، خمیره‌ی قرمز، پوشش نخودی، چرخ ساز، شاموت شن و ماسه.	Cellerino, 2006, Fig: 299, No: 1; Wheeler, 1962, F. 27, no. 210; Hansman et al, 1967, Fig: 14, No: 9; Усманова, 1963, Fig: 23, No: 5; Trinkaus, 1981: 332, n: 4; Mehrafarin, 2011, Fig. 6, no. 15; Kleiss, 1987, Fig: Abb.28, no: 5.
۳	لیه، ضخامت متوسط، خمیره‌ی قرمز، پوشش نخودی، چرخ ساز، شاموت شن و ماسه.	Cellerino, 2006, Fig: 292, No: 12; Herrmann et al, 1999, Fig: 17, No: 6; Wheeler, 1962, F. 47, no. 500.
۴	لیه، ضخامت متوسط، خمیره‌ی قرمز، پوشش نخودی، چرخ ساز، شاموت شن و ماسه.	Усманова, 1963, Fig: 42, No: 4; Kleiss, 1970, Fig: Abb.26, no: 45; Wheeler, 1962, F. 47, no. 500.
۵	لیه، ضخامت متوسط، خمیره‌ی قرمز، پوشش نخودی، چرخ ساز، شاموت شن و ماسه.	هرینک، ۱۳۷۶، شکل ۲۹، شماره‌ی ۱۴، رهبر، ۱۳۸۲: ۱۵۴، شکل ۴۵؛ استروناخ، ۱۳۷۸: شکل ۱۱۹، تصویر ۲۵؛ عزیزاده، ۱۳۹۱: لوح ۵۳، طرح ۲۶۰. Cellerino, 2006, Fig: 296, No: 77; Cellerino, 2006, Fig: 296, No: 75.
۶	لیه، ضخامت متوسط، خمیره‌ی خاکستری، چرخ ساز، شاموت شن و ماسه.	Mehrafarin, 2011, Fig. 9, no. 35; Wheeler, 1962, F. 46, no. 447; Cellerino, 2006, Fig: 294, No: 36.
۷	لیه، ضخامت متوسط، خمیره‌ی قرمز، پوشش نخودی، چرخ ساز، شاموت شن و ماسه.	Усманова, 1963, Fig: 23, No: 44; Hansman et al, 1971, Fig: 29, No: 1.
۸	لیه، ضخامت متوسط، خمیره‌ی قرمز، پوشش نخودی، چرخ ساز، شاموت شن و ماسه.	Усманова, 1963, Fig: 3, No: 2; Wheeler, 1962, F. 37, no: 333.
۹	لیه، ضخامت متوسط، خمیره‌ی قرمز، پوشش نخودی، چرخ ساز، شاموت شن و ماسه.	Cellerino, 2006, Fig: 296, No: 75.
۱۰	لیه، ضخامت متوسط، خمیره‌ی قرمز، پوشش نخودی، چرخ ساز، شاموت شن و ماسه.	Mehrafarin, 2011, Fig. 6, no. 15; Wheeler, 1962, F. 18, no. 85- 86; Karlovsky, 1970, fig 8, n:o; Kleiss, 1970, Fig: Abb.26, no: 48.
۱۱	لیه، ضخامت متوسط، خمیره‌ی قرمز، پوشش نخودی، چرخ ساز، شاموت شن و ماسه.	Cellerino, 2006, Fig: 295, No: 55; Усманова, 1963, Fig: 18, No: 26; Mehrafarin, 2011, Fig. 6, no. 14; Kleiss, 1970, Fig: Abb.26, no: 45.
۱۲	لیه، ضخامت متوسط، خمیره‌ی قرمز، پوشش نخودی، چرخ ساز، شاموت شن و ماسه.	Cellerino, 2006, Fig: 298, No: 91; Усманова, 1963, Fig: 10, No: 14.
۱۳	لیه، ضخامت متوسط، خمیره‌ی قرمز، پوشش نخودی، چرخ ساز، شاموت شن و ماسه.	Cellerino, 2006, Fig: 296, No: 73; Усманова, 1963, Fig: 31, No: 17.
۱۴	لیه، ضخامت متوسط، خمیره‌ی قرمز، پوشش قرمز، چرخ ساز، شاموت شن و ماسه.	Cellerino, 2006, Fig: 296, No: 77; Усманова, 1963, Fig: 13, No: 20.
۱۵	لیه، ضخامت متوسط، خمیره‌ی قرمز، پوشش قرمز، چرخ ساز، شاموت شن و ماسه.	Усманова, 1963, Fig: 23, No: 4.
۱۶	لیه، ضخامت متوسط، خمیره‌ی نخودی، پوشش قرمز، چرخ ساز، شاموت شن و ماسه.	Cellerino, 2006, Fig: 299, No: 1; Wheeler, 1962, F. 27, no. 210; Hansman et al, 1967, Fig: 14, No: 9; Усманова, 1963, Fig: 23, No: 5; Trinkaus, 1981: 332, n: 4.

میان جلگه‌های پهناور واقع گردیده بود و از هر طرف توسط کوه‌هایی احاطه شده بود؛ رودهایی کوچک در پیرامون شهر وجود داشته که باعث آبیاری جلگه می‌شده است. جنگل‌های وسیعی در پیرامون آن وجود داشته که باعث خنک شدن هوا می‌شده است. همچنین شکارگاه‌های عالی برای انواع تفریحات و ورزش‌ها در آن‌جا مهیا بوده است (ژوستین، ۱۳۸۸: ۲۰۳-۲۰۱).

با استناد به اشارات متون کلاسیک فوق، برخی محققین معاصر تلاش کرده‌اند تا به جانمایی منطقه‌ی آپورتیکین و شهر دارا پردازند. با استناد به گفته‌های این محققین، شهر دارا، احتمالاً یا در جنوب ترکمنستان بوده و یا در حوالی دامغان و گرگان واقع شده است. منبع استناد محققین گروه اول، گفته‌های ایزیدور خاراکسی است که آپورتیکین را در منطقه‌ای در حدفاصل نسا و مرو می‌داند. منبع استناد محققین گروه دوم، اما گفته‌های برخی مورخین دوره‌ی کلاسیک است که در شرح لشکرکشی اسکندر به شهر دارا اشاره کرده‌اند. با توجه به تمرکز تحقیق حاضر بر روی شهرستان درگز در دوره‌ی اشکانی و محوطه‌ی شهر تپه به‌عنوان یکی از محوطه‌های قابل‌بحث در انتساب به شهر دارا، در این مبحث با تفصیل بیشتری آراء محققین گروه اول مورد بحث و ارزیابی قرار خواهد گرفت.

از میان محققینی که در صدد جایابی منطقه‌ی آپورتیکین و شهر دارا بوده‌اند، عده‌ای ایبورد دوره‌ی اسلامی را صورت‌یافته‌ی آپورتیکین پیش از اسلام دانسته و معتقدند، می‌بایست در جنوب ترکمنستان و شمال شرق ایران، آپورتیکین و دارا را جستجو نمود. گوتشمید از اولین محققانی است که در ضمن اشاره به درگیری‌های نظامی اوایل دوره‌ی اشکانی با سلوکیان، از ساخته شدن شهر دارا در ایبورد هم‌زمان با تیرداد، سخن به میان آورده است (گوتشمید، ۱۳۸۲: ۵۷-۵۶).

توماشک از دیگر محققانی است که شهر دارا را در حوالی درگز و کلات جستجو می‌کند (Tomaschek, 1896: 2682). خلوپین نیز گمان می‌کند ویرانه‌های دارا در کجن کاخکا در حوالی تجن و سرخس واقع شده است (Khlopin, 1977: 148). شیپمان، اما معتقد است آپه‌ورتنه (آپورتیکین) را می‌بایست در جنوب ترکمنستان و دارا را می‌بایست در حوالی درگز جستجو نمود (شیپمان، ۱۳۸۴: ۱۹). ویسهوفر نیز همانند شیپمان معتقد است شهر دارا در حوالی درگز قرار داشته است (Wiesehöfer, 2004: 409). تادا، اما معتقد است این شهر بین عشق‌آباد و مرو واقع شده است (Tada, 2008: 77-78). شاف نیز گمان می‌کند این شهر را می‌بایست در حوالی مشهد جستجو نمود (Schoff, 1914: 3-7).

برخی محققین ایرانی نیز راجع به وجود احتمالی این شهر در جنوب ترکمنستان و شمال شرق ایران اظهار نظر نموده‌اند. اعتمادالسلطنه بر این پاور است که درگز (داراگرد) صورت تحول یافته‌ی دارا بوده و این شهر باستانی، احتمالاً در این شهرستان واقع شده است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۷۱: ۳۵۱-۳۵۰). پرویز رجبی نیز همانند اعتمادالسلطنه، درگز را صورت تحول یافته‌ی دارا کرت می‌داند و گمان می‌کند دارا(ی) باستان در این منطقه واقع شده است (رجبی، ۱۳۸۱: ۶۵). زرین کوب نیز گمان می‌کند، آپورتیکین صورت تحول یافته‌ی ایبورد دوره‌ی اسلامی بوده و در حوالی کلات واقع شده است (زرین کوب، ۱۳۷۸: ۴۱).

عموم این محققان که تلاش می‌کنند تا آپورتیکین و دارا(ی) باستان را در جنوب ترکمنستان و شمال شرق ایران جستجو کنند، به گفته‌های ایزیدور خاراکسی که این منطقه را میان نسا و مرو می‌داند، ارجاع می‌دهند؛ به‌علاوه، از درگز و محوطه‌ی شهر تپه به‌عنوان یکی از مناطق و محوطه‌های احتمالی معرف شهر دارا یاد شده است. حال

این پرسش پیش می‌آید که تا چه اندازه متون تاریخی و شواهد باستان‌شناسی حضور و وجود این شهر در منطقه‌ی درگز را مفروض می‌دارد.

از لابه‌لای متون تاریخی و شواهد باستان‌شناسی، می‌توان شواهدی، هم از وجود و هم از نبود احتمالی این شهر در منطقه‌ی درگز یافت. ظاهراً این شهر بعد از پیروزی‌های نظامی تیرداد برابر سلوکیان و شکست آنان در حوالی هکاتومپولیس ساخته است. به‌نظر می‌رسد ساخت این شهر، در دوره‌ی گسترش اولیه‌ی اشکانیان در حوالی ایران و ترکمستان، چندصد کیلومتر دورتر از خط مقدم نبردهای نظامی اشکانیان، جای تأمل بسیار دارد. به‌علاوه، در بررسی باستان‌شناسی شهرستان درگز، تاکنون هیچ قلعه‌ی نظامی از دوره‌ی اشکانی یافت نشده است. نبود چنین ساختارهای دفاعی، آن‌هم در اوایل دوره‌ی اشکانیان، فرض وجود چنین شهر مهمی در درگز را به‌مراتب کم‌رنگ می‌کند. از طرف دیگر توصیف ژوستین از شرایط محیطی دارا، تاحدودی با درگز شباهت دارد. هرچند تفاوت‌هایی نیز به‌چشم می‌خورد. قرارگرفتن دارا در میان یک جلگه‌ی پهناور، احاطه شدن آن توسط کوه‌ها و وجود رودهای کوچک در پیرامون شهر تاحدودی با شرایط محیطی شهرستان درگز هم‌خوانی دارد. از طرف دیگر، وجود جنگل‌های وسیع در پیرامون شهر و وجود شکارگاه‌های عالی در اطراف دارا تا حدودی مقایسه‌ی شرایط محیطی درگز است.^۲

براساس موارد فوق، هنوز نمی‌توان با اطمینان از وجود این شهر در منطقه‌ی درگز اظهارنظر نمود. با این حال دیگر بخش‌های جنوب ترکمنستان و شمال شرقی ایران از جمله: کلات، تجن سرخس، مشهد و حوالی عشق‌آباد و مرو را نباید از نظر دور داشت. مبحثی که ورود به آن خارج از چارچوب مقاله‌ی حاضر است.

شایان ذکر است، گروه دیگری از محققان معاصر، مایلند شهر دارا در حوالی دامغان تا گرگان جستجو کنند. سایکس، قلعه مارن در جنوب گرگان را شهر دارا می‌داند و کیانی، قره‌شیخ تپه گرگان را شهر اشکانی دارا نامیده است (Kiani, 1982: 46-47؛ کیانی، ۱۳۶۵: ۱۰۸). رضایی اما با ارزیابی داده‌های باستان‌شناسی منطقه‌ی آهوانو، این منطقه را شهر اشکانی دارا می‌داند (رضایی، ۱۳۸۴: ۴۳۳).

در مجموع، همان‌گونه که اشاره گردید با استناد به گفته‌های مورخان کلاسیک، شهر دارا یا در بین نسا و مرو واقع گردیده و یا در حوالی دامغان تا گرگان. برخی از محققان معاصر، با استناد به گفته‌های ایزیدور خاراکیسی، منطقه‌ی درگز را یکی از مناطق احتمالی دارا(ی) باستان می‌دانند. به اعتقاد نگارنده، شواهد باستان‌شناسی درگز به‌همراه شرایط طبیعی این منطقه، که در بالا به تفصیل بدان اشاره گردید، نشان می‌دهد که احتمالاً این شهر مهم در منطقه‌ی دیگری واقع گردیده باشد. دیگر مناطق حوالی ترکمستان و شمال شرق ایران، به‌همراه دامغان و گرگان را می‌توان، با احتیاط دیگر گزینه‌های احتمالی دارا(ی) باستان تلقی نمود؛ هرچند نظر قطعی در این باره، تا به امروز تقریباً نسبی بوده و در حد یک فرض باقی خواهد ماند.

اهمیت شهر تپه در مطالعات باستان‌شناسی دوره‌ی اشکانی

به‌منظور ارزیابی جایگاه شهر تپه در مطالعات باستان‌شناسی دوره‌ی اشکانی در ابتدا می‌بایست، اهمیت این محوطه از منظر باستان‌شناسی تبیین و ارزیابی گردد. بخشی از اهمیت شهر تپه، با توصیف باستان‌شناسی این محوطه مشخص می‌گردد. شهر تپه با احتساب بخش صنعتی، که در نتیجه‌ی فصل دوم گمانه‌زنی محوطه یافت گردید، قریب به هفتاد هکتار وسعت دارد. با استناد به بررسی باستان‌شناسی شهرستان درگز،

این محوطه، وسیع‌ترین محوطه‌ی اشکانی این شهرستان محسوب می‌گردد؛ به‌علاوه، پیرامون این محوطه یک حصار خشتی دیده می‌شود که با خندق بیرونی، تقویت می‌گردد. آبراهه‌ی بدنه‌ی شمالی و جنوبی محوطه، در بخش شرقی به یکدیگر متصل شده تا با احتیاط، حدنهایی این محوطه در بخش شرقی مشخص گردد. بخش غربی محوطه نیز همانند دیگر بخش‌ها، با یک حصار سراسری تقویت گردیده است. در بدنه‌ی بیرونی گوشه‌ی جنوب‌غربی محوطه بیرون‌زدگی‌هایی دیده می‌شود، که احتمالاً می‌بایست برج‌های حصار بوده باشند. براساس موارد فوق و بدون توجه به داده‌های باستان‌شناسی یافت شده از بررسی و کاوش محوطه، می‌توان از شهرتپه به عنوان یکی از محوطه‌های مهم اشکانی در شمال شرق ایران یاد کرد. این اهمیت، با داده‌های باستان‌شناسی یافت شده از بررسی و کاوش‌های محوطه به‌نحو ملموس‌تری مشخص می‌گردد.

در بررسی سیستماتیک محوطه، قطعه سفال‌هایی یافت گردید که تماماً معرف سفال‌های اشکانی شمال شرق ایران هستند. این مورد، به‌همراه دیگر داده‌های باستان‌شناسی محوطه، مبنای تاریخ‌گذاری شهرتپه به دوره‌ی اشکانی است. به‌علاوه، در شبکه‌ی D3 بررسی سیستماتیک، سه قطعه آجر منقوش و یک قطعه گچبری یافت گردید. همان‌گونه که پیش‌تر نیز اشاره گردید، نمونه‌ی چنین آجرهایی از کاوش‌های باستان‌شناسی این محوطه و محوطه‌ی نسا یافت گردیده است. این کشف، ضمن تأیید تاریخ‌گذاری محوطه، معرف بخش قابل‌توجهی از اهمیت شهرتپه است. کشف این آثار در مربع D3 بررسی سیستماتیک، تلویحاً نشان‌دهنده‌ی وجود بنایی مهم در این بخش از محوطه است. شباهت این آجرها با نمونه‌های نسا، از یک‌طرف مبین قرابت‌های فرهنگی میان نسا و شهرتپه است و از طرف دیگر با در نظر گرفتن وسعت محوطه، نشان‌دهنده‌ی وجود محوطه‌ای مهم، هم‌پایه‌ی نسا است.

داده‌های یافت شده از کاوش‌های باستان‌شناسی محوطه نیز معرف و مؤید اهمیت شهرتپه در مطالعات باستان‌شناسی دوره‌ی اشکانی است. در اولین فصل گمانه‌زنی محوطه، یک قطعه آجر منقوش، همانند آجر منقوش یافت شده از محوطه‌ی نسا کشف گردید. نمونه‌ی چنین آجرهایی در بررسی سیستماتیک شبکه‌ی D3 نیز شناسایی شده بود. به‌علاوه، چند ظرف سالم سفالی مربوط به دوره‌ی اشکانی از اولین فصل گمانه‌زنی محوطه یافت شده است. این آثار ضمن تأیید تاریخ‌گذاری محوطه، مظهر تأییدی بر اهمیت شهرتپه در مطالعات باستان‌شناسی شمال شرق ایران در دوره‌ی اشکانی است. در دومین فصل گمانه‌زنی محوطه، یکی از بخش‌های مهم شهرتپه شناسایی گردید. در نتیجه‌ی گمانه‌های حفر شده در شرق محوطه، محدوده‌ی منطقه‌ی صنعتی شهرتپه مشخص گردید. کشف مقادیر فراوان جوش‌کوره، به‌همراه تعدادی سرباره و شیشه‌ی تغییر شکل‌یافته شده در بخش شرقی بیرون حصار، نشان می‌دهد در این منطقه فعالیت‌های صنعتی صورت می‌گرفته است. این مورد نشان‌دهنده‌ی انجام فعالیت‌های صنعتی مرتبط با تولید سفال، فلزات و شیشه در محوطه‌ی شهرتپه است. موردی که خود، بخش مهم و برجسته‌ای از اهمیت شهرتپه در تاریخ شمال شرقی ایران در دوره‌ی اشکانی است.

به‌نظر می‌رسد با توجه به نزدیکی شهرتپه به ترکمنستان و محوطه‌ی نسا، و با عنایت به شباهت مواد فرهنگی بین این محوطه و نسا، بتوان از شهرتپه به‌عنوان یکی از محوطه‌های شمال شرقی ایران یاد کرد. محوطه‌ای که با توجه به موقعیت جغرافیایی آن، شاید بتوان از آن اطلاعاتی از گسترش تدریجی اشکانیان به داخل خاک

ایران به‌دست آورد.

نام‌بردن از شهرتپه به‌عنوان یکی از محوطه‌های احتمالی معرف دارا، خود نشان‌دهنده‌ی بخش دیگری از اهمیت شهرتپه در باستان‌شناسی شمال‌شرق ایران در دوره‌ی اشکانی است. با این‌که شواهد متقنی در تأیید این مورد، تاکنون یافت نگردیده و موقعیت مکانی شهر دارا اشکانی هنوز در حاله‌ای از ابهام باقی‌مانده است، گروهی از محققان که پیش‌تر بدان اشاره گردید، از درگذر به‌عنوان یکی از مراکز احتمالی دارا یاد می‌کنند. شهرتپه، به‌عنوان وسیع‌ترین محوطه‌ی اشکانی تاکنون یافت شده در منطقه‌ی درگز، احتمالاً می‌تواند محتمل‌ترین محوطه‌ی پیشنهادی شهردارا محسوب گردد. هرچند نمی‌توان با اطمینان از وجود و یا عدم وجود دارا در منطقه‌ی درگز سخن به میان آورد، نام‌بردن از شهرتپه در کنار دارا، به‌خوبی اهمیت و جایگاه این محوطه در مطالعات باستان‌شناسی شمال‌شرق ایران در دوره‌ی اشکانی را نشان می‌دهد. دستیابی به پاسخی مطمئن پیرامون این مدعا، نیاز به کاوش‌های گسترده‌ی باستان‌شناختی دارد.

نتیجه‌گیری

حوزه‌ی جغرافیایی درگز به‌واسطه‌ی همجواری با ترکمنستان و نسا، یکی از مناطق بالقوه‌ی مهم در مطالعات باستان‌شناسی دوره‌ی اشکانی است. در بررسی باستان‌شناسی صورت‌گرفته در شهرستان درگز، در مجموع ۸۵ محوطه‌ی اشکانی یافت گردید. این تعداد محوطه‌های اشکانی در این شهرستان نشان‌دهنده‌ی اهمیت و شکوفایی این منطقه در این برهه از تاریخ ایران است. با تکیه‌بر انجام بررسی‌های باستان‌شناسی شهرستان درگز، شهرتپه با قریب به ۷۰ هکتار وسعت، وسیع‌ترین محوطه‌ی اشکانی است که تاکنون از این حوزه‌ی جغرافیایی، در منطقه‌ی شناسایی شده است. در کنار وسعت محوطه، داده‌های باستان‌شناسی شهرتپه، بخش مهم و دیگری از اهمیت این محوطه در مطالعات باستان‌شناسی دوره‌ی اشکانی در شمال‌شرق ایران است. با استناد به داده‌های باستان‌شناسی شهرتپه، این محوطه از محوطه‌های مهم و کلیدی اشکانیان در شمال‌شرقی ایران بوده است. غنای داده‌های باستان‌شناسی این محوطه، مشتمل بر حصار عظیم و سراسری محوطه که با یک خندق در دو جهه‌ی شمالی و جنوبی حصار تقویت می‌شده است، به‌همراه دیگر آثار باستان‌شناسی محوطه، از جمله آجرهای منقوش یافت شده از بررسی و کاوش باستان‌شناسی شهرتپه، ظروف سفالی، بقایای معماری و حجم قابل‌توجهی از پس‌مانده‌های صنعتی این محوطه، همگی نشان از شاخص بودن شهرتپه و جایگاه برجسته‌ی این محوطه در پاسخ به پرسش‌های باستان‌شناسی شمال‌شرقی ایران هم‌زمان با دوره‌ی اشکانی است. مطالعات تطبیقی انجام شده بر روی این محوطه، به‌ویژه با محوطه‌ی نسا از یک‌طرف و از سوی دیگر، ارزیابی منابع نوشتاری با این پیش‌فرض که این محوطه می‌تواند شهر دارا باشد. همجواری درگز با ترکمنستان و باطبع، نزدیکی شهرتپه به نسا، که بالقوه نشان‌دهنده‌ی ارتباط فرهنگی این دو محوطه با یکدیگر است، در داده‌های باستان‌شناسی محوطه‌ی شهرتپه به‌وضوح قابل‌مشاهده است. این مورد ضمن نشان‌دادن جایگاه و اهمیت شهرتپه، با در نظر گرفتن وسعت محوطه، نشان‌دهنده‌ی وجود محوطه‌ای مهم، هم‌پایه‌ی نسا در درگز نیز است. بر این اساس، شاید بتوان از شهرتپه به‌عنوان یکی از محوطه‌های مهم اشکانی شمال‌شرقی ایران یاد کرد.

نهایتاً نام‌بردن از درگز و شهرتپه، به‌عنوان یکی از مناطق و محوطه‌های احتمالی معرف آپاورتیکن و دارا، نشان‌دهنده‌ی اهمیت و جایگاه بالقوه‌ی این منطقه و محوطه در

تاریخ دوره‌ی اشکانی است. با این که تا به امروز نمی‌توان جایگاه و موقعیت دقیق را با قطعیت مکان‌یابی نمود، اما بدون تردید، وسعت محوطه، حصار مستحکم برجای مانده از آن، وجود منطقه‌ی صنعتی و وجود داده‌های باستان‌شناسی مرتبط با اشکانیان در محوطه که بخش‌هایی از آن‌ها با داده‌های باستان‌شناسی محوطه‌ی نسا قابل مقایسه هستند، نشان از اهمیت شهر تپه در مطالعات باستان‌شناسی اشکانیان در شمال شرقی ایران دارد. در مجموع، با استناد به موقعیت جغرافیایی محوطه، وسعت، حصار و خندق پیرامونی، به‌همراه شواهد یافت شده از بررسی و کاوش شهر تپه، می‌توان از شهر تپه به عنوان یکی از مهمترین محوطه‌های اوایل دوره‌ی اشکانی در شمال شرق ایران یاد کرد. محوطه‌ای که می‌تواند پاسخ‌گوی بسیاری از پرسش‌های باستان‌شناسی شمال شرق ایران در دوره‌ی اشکانی باشد. به‌نظر می‌رسد فهم واقعی اهمیت این محوطه در مطالعات باستان‌شناسی اشکانیان، تنها با کاوش‌های گسترده در عرصه‌ی این محوطه مقدور خواهد بود؛ لذا مطالعات باستان‌شناسی تاکنون صورت گرفته در شهر تپه، از جمله پژوهش حاضر، تنها مقدمه‌ای بر مطالعات آتی در این محوطه‌ی مهم اشکانی شمال شرقی ایران خواهد بود.

پی‌نوشت

۱. باید اشاره شود ابعاد محوطه در حصار شرقی با حصار غربی اندکی تفاوت دارد. آن چیزی که در این‌جا اشاره شده حدود تقریبی ابعاد شهر تپه است. اگر بخواهیم به‌صورت دقیق‌تر ابعاد این محوطه را بیان نماییم، حصار شمالی ۱۲۱۹ متر، حصار جنوبی ۱۱۶۹ متر، حصار شرقی ۱۹۷ متر و حصار غربی ۴۷۵ متر می‌باشد.
۲. مگر این که جنگل‌های تنگ اطراف کوه‌های هزار مسجد و گردنه‌ی تیوان و شکارگاه‌های منطقه‌ی حفاظت شده تندوره را، باقی‌مانده‌ی قسمتی از آن شرایط محیطی که زوستان به آن اشاره دارد در نظر گرفته که با این شرایط، احتمالاً قضیه مقداری متفاوت خواهد شد و شرایط محیطی منطقه از گذشته تا به امروز دستخوش تغییرات زیادی شده است.

کتابنامه

- آریان، ۱۳۸۸، *لشکرکشی اسکندر*، ترجمه انگلیسی: اوبری دو سلینکورت، بازنگری و حواشی همیلتون جی. آر، ترجمه: محسن خادم، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- استروناخ، دیوید، ۱۳۷۸، *گزارشی از کاوش‌های انجام شده توسط موسسه مطالعات ایرانی بریتانیا از سال ۱۹۶۱ تا ۱۹۶۳*، ترجمه: حمید خطیب‌شهمیدی، تهران، پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی، معاونت حفظ و احیاء.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان، ۱۳۷۱، *درراتیجان فی تاریخ بنی اشکان*، به‌کوشش: نعمت احمدی، بیجا، اطلس.
- ایزیدور خاراکسی، ۱۳۹۲، *منزلگاه‌های اشکانی*، ترجمه: علی اصغر میرزایی، تهران، نشر ماهی.
- باقی‌زاده، سعید، ۱۳۹۱، «بررسی و مطالعه‌ی الگوهای پراکنش پیش از تاریخ دشت درگز از دوران نوسنگی تا پایان عصر آن IV»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی‌ارشد رشته‌ی باستان‌شناسی پیش از تاریخ، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، تهران (منتشر نشده).
- بختیاری، محمود، ۱۳۷۵، «گزارش مقدماتی: بررسی و شناسایی آثار باستانی شهرستان درگز»، مرحله اول، پژوهشکده باستان‌شناسی سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری کشور (منتشر نشده).
- رجبی، پرویز، ۱۳۸۱، *هناره‌های گشوده، اشکانیان (پارت‌ها)*، جلد چهارم، نشر توس.
- رضایی، محمد، ۱۳۸۴، «دژهای باستانی کومش حلقه‌ی اتصال اساطیر و تاریخ

ایران»، در: مجموعه مقالات سومین کنگره‌ی معماری و شهرسازی ایران، به‌کوشش: باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی، جلد دوم، تهران، پژوهشگاه سازمان میراث‌فرهنگی و گردشگری کشور، صص: ۴۲۵-۴۸۸.

- رهبر، مهدی، ۱۳۸۲، «سومین فصل کاوش‌های باستان‌شناسی خورهه»، تهران، سازمان میراث‌فرهنگی کشور (منتشر نشده).

- زرین‌کوب، عبدالحسین، ۱۳۷۸، «اشکانیان»، در: اطلس تاریخ ایران، بی‌جا، سازمان نقشه‌برداری کشور.

- ژوستین، یونیانوس، ۱۳۸۸، تلخیص تاریخ پرمپیوس ترگوس (اواخر سده‌ی اول ق. م.)، نوشته‌هایی در باب تاریخ و فرهنگ اشکانیان، ترجمه: هوشنگ صادقی، تهران، نشر عیلام.

- شیپمان، کلاوس، ۱۳۸۴، مبانی تاریخ پارتیان، ترجمه: هوشنگ صادقی، تهران، ققنوس.

- علیزاده، فاطمه، ۱۳۹۱، «مطالعه‌ی نمونه‌های سفالین دوران اشکانی بلوچستان، موردشناسی: سفال‌های سطحی شهرستان‌های نیک شهر و چابهار»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، گروه باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه سیستان و بلوچستان.

- کوثری، یحیی و سرفراز، علی‌اکبر، ۱۳۴۵، «بررسی شمال شرق»، پژوهش‌کده باستان‌شناسی سازمان میراث‌فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری کشور (منتشر نشده).
- کیانی، محمدیوسف و مهریار، محمد، ۱۳۵۹، «دیوار دفاعی گرگان»، مجله‌/اثر، شماره‌ی ۲، ۳ و ۴، صص: ۱۳۹-۱۰۲.

- کاراژیان، عمران، ۱۳۷۷، «بررسی باستان‌شناختی محل‌های پیش از تاریخی حاشیه‌ی رودخانه‌ی درونگر واقع در شمال شرق استان خراسان»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه تربیت مدرس (منتشر نشده).

- گوتشمید، آلفرد، ۱۳۸۲، تاریخ ایران و ملل هم‌جوار (از اسکندر تا انقراض اشکانیان)، ترجمه: کیکاووس جهان‌داری، چاپ اول، نشر علمی، تهران.
- لباف‌خانیک‌کی، رجبعلی، ۱۳۸۷، «به یاد نگهبان، سهم دکتر نگهبان در باستان‌شناسی خراسان»، مجله باستان‌شناسی و تاریخ، شماره‌ی ۴۵، صص: ۱۰۳-۹۹.

- نامی، حسن، ۱۳۹۵، «گمانه‌زنی به‌منظور تعیین عرصه و پیشنهاد حریم تپه شهر تپه چاپشلو»، آرشیو سازمان میراث‌فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری استان خراسان رضوی (منتشر نشده).

- هرینک، ارنی، ۱۳۷۶، سفال ایران در دوره‌ی اشکانی، ترجمه: حمیده چوبک، تهران، سازمان میراث‌فرهنگی کشور.

- یوسفی‌زشک، روح‌الله و باقی‌زاده، سعید، ۱۳۹۱، «کاربرد سیستم‌های اطلاعات جغرافیایی در تحلیل الگوی استقرار: مطالعه موردی محوطه‌های دشت درگز از دوره‌ی نوسنگی تا پایان عصر آن IV»، نامه‌ی باستان‌شناسی (پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران)، شماره ۲، دوره دوم، صص: ۲۴-۷.

- Cellerino, A., 2006, *NISA PARTICA, Ricerche Nel Complesso Monumentale Arsacide 1990- 2006*, Monografi Di Mesopotamia IX.

- Curtius, Q. R., 1809, *The history of the life and reign of Alexander the Great*, S. Bagster, London.

- Dupree, L., 1958, *Shamshir Ghar: Historic Cave site in Kandahar province Afghanistan*, Anthropological papers of the American Museum of Natural History, Vol. 46, part 1.
- Frankfort. H., 1927, *Studies in Early Pottery of the Near East. II. Asia, Europe and the Aegean, and their Earliest Interrelations*, Royal Anthropological Institute. Occasional Papers, no 8. London.
- Hansman, J. & Stronach, D., 1970, "Excavation at Shar-i-Qumis", *JRAS*, pp. 29-62.
- Herrmann, G. Kurbansakhatov, K. Simpson, J. 1998, "The International Merv Project Preliminary Report on the Seventh Season", *Iran*, Vol. 37 (1999), pp. 1-24.
- Karlovski, I., 1970, *Excavations at Tepe yahya, Iran*, Bulletin of American School of prehistoric Research 27, Cambridge, MA: peabody museum of Archaeology and Ethnology.
- Khlopin, I., 1977, "Die Reiseroute Isidors Von Charax Und Die Oberen Satrapien Parthiens", *Iranica Antiqua*, XII: 117-165.
- Kiani, M. Y., 1982, *Parthian Sites in Hyrcania the Gurgan Plain*, Berlin: Reimer.
- Kleiss, W., 1970, "Zur Topographic Des Parther Hanges in Bistun", *AMI*, n, f, 3, pp. 133-168.
- Kliess. W. 1987, "Čal Tarkhan südöstlich von Rey", *Iranmitt* n.f. 20. pp: 309-318.
- Kohl, Ph. & Dennis L. Heskell., 1980, "Archaeological Reconnaissance in the Darreh Gaz Plain: A Short Report", *Iran*, Vol. 18, P. 160-172.
- Mehrafarin, R., Musavi Haji, S. R., Alifeyz, S., 2011, "A Study of the ceramics of East Iran During the Later Parthian Era with Special Reference to Tapa Gowri", *Central Asiatic Journal International Periodical for the Languages, Literature, History and Archaeology of Central Asia*, pp. 240 – 258.
- Napier G. C. & Kazi S. A., 1876, "Extracts from a Diary of a Tour in Khorassan, and Notes on the Eastern Alburz Tract; with Notes on the Yomut Tribe", *Journal of the Royal Geographical Society of London*, Vol. 46, pp. 62-171.
- Pliny, 1855, *The Natural history*, John Bostock, M.D, F.R.Sand H. T. Riley (trs.), ESQ, B.A., Vol. II, London.
- Plutarch, 1919, *Plutarch's Lives, Bernadotte Perrin* (tr.), Vol. VII, London: Harvard University Press, William Heinemann Ltd.
- Potts D. T. & Roustaei, K., 2006, *The Mamasani Archaeological Project Stage One: a report on the first two seasons of the ICAR-University of Sydney expedition to the Mamasani District, Fars Province, Iran*. Tehran: Iranian Center for Archaeological Research.
- Rahbar, M., 1998, "Decouverte D'un Monument D'Époque Sassanide

Á Bandian, Dargaz (Nord Khorassan) fouilles 1994et 1995”, *Studia Iranica* 27 (2): 213-250.

- Rahbar, M., 2004, “Le monument Sassanide de Bandian, Dargaz, Un-temple du Feu D’après les Dernieres Decouvertes 1996-98”, *Studia Iranica* 33 (1): 7-30.

- Rahbar, M., 2007, “A Tower of silence of the Sasanian Period at Bandi-yan. Some Observations about Dakhmas in Zoroastrian Religion”, in: *After Alexander: Central Asia Before Islam*, Joecribb & G. Herrmann (eds.), Proceedings of The British Academy 133, Oxford University Press, pp: 455-473.

- Rahbar, M., 2008, “The Discovery of A Sasanian Period Fire Temple at Bandian, Dargaz, in Current Research in Sasanian Archaeology, Art And History”, D. Kennet & P. Luft (eds.), Proceedings of A Conference Held At Durham University 2001, pp: 15-40.

- Rawlinson, S. H., 1879, *The Road to Merv*, Royal Geographical Society, London.

- Schoff, W., 1914, *Parthian stations, by Isidore of Charax, An Account of the overland Trade route between the Levant and India in the first Century B.C.*, The Greek text with a Translation and Commentary, Transcribed From The Original London Edition.

- Tada, R., 2008. “Apollodorus of Artemita and the Rise of the Parthian Empire”, A dissertation for the degree of doctor of philosophy, University of Washington.

- Tomaschek, W., 1896, *Apavortene*, P-WRE, bd. II, S.

- Trinkaus, K., M., 1981, *The Partho – Sassanian Northeast Frontier: Settlement in the Damghan Plan, Iran*, a Dissertation in Anthropology of the University of Pennsylvania.

- Turco, F., Davit, P. Borghi, A. Bruno, J. Lippolis, C. Operti, L., 2015, “Multi-technique characterization of various artefacts and raw materials from Old Nisa (Turkmenistan): A preliminary study”, *Journal of Archaeological Science*: Vol 5. pp. 372-382.

- Wheeler, S., M., 1962, *Charsada*, Oxford University Press, London.

- Усманова, З.И., 1963, “Эрк-кала (по материалам ЮТАКЭ 1955-1959 гг.)”, *ТИОТАКЭ*. XI, 20-94.

- Wiesehöfer, J., 2004, “Communicators between East and West: The Parthians”, in: *Persiens Antike Pracht*, Deutsches Bergbau-Museum Bochum: Germany, Stoellner, Thomas; Slotta, Rainer & Vatandoust, Abdolrasool (eds.), pp. 408-41.